

فصلنامه تاریخ اسلام

سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره مسلسل ۳۳ - ۳۴

حیات ابن ابی الحدید

فاطمه سرخیل

عبدالحمید هبة الله (۵۸۷-۶۰۶ ه) مشهور به ابن ابی الحدید در خانواده‌ای اهل دانش در شهر مدائن زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی در بغداد به معتزله گرایش یافت و اندیشه ایشان را چنان آموخت که خود در آن باره اهل نظر شد و از بزرگان معتزله گردید. او در بغداد مورد توجه دولتمردان عباسی قرار گرفت و عهده‌دار مشاغل حکومتی گردید. با این حال هرگز از دانش اندوزی و خردورزی باز نایستاد، آن چنان که در شناخت و بررسی تاریخ صدر اسلام صاحب نظر شد. این مقاله به شرح و بررسی زندگی ابن ابی الحدید پرداخته است.

واژه‌ای کلیدی: ابن ابی الحدید، عباسیان، معتزله، تأییفات، شرح نهج البلاعه.

مقدمه

ابن ابی الحدید در سال‌های ۵۸۶ تا ۶۵۶ ه. در قلمرو حکومت عباسی می‌زیست که هم زمان با عصر چهارم حکومت عباسیان (۴۴۷-۶۵۶ ه) و دوران حکومت چهارتن از خلفای عباسی «ابوالعباس احمد ناصر (۵۷۵-۶۲۲ ه / ۱۱۸۰-۱۲۲۵ م)، ابونصر محمد ظاهر (۶۲۳-۶۲۶ ه / ۱۲۲۶-۱۲۵۸ م)، ابوجعفر منصور مستنصر (۶۲۳-۶۴۰ ه / ۱۲۲۶-۱۲۴۲ م)، ابواحمد عبدالله مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ ه / ۱۲۴۲-۱۲۵۸ م)» می‌باشد. در این دوره، خلافت عباسی، خوارزمشاهیان و اسماعیلیان قدرت‌های برتر جهان اسلام بودند. خلفای عباسی جانشینان پیامبر ﷺ و متولیان تسنن، مذهب رسمی جهان اسلام، محسوب می‌شدند.

خوارزمشاهیان پس از سلجوقیان قدرت را در ایران در دست گرفتند. آنها کوشیدند تا خلافت عباسی را مطیع خویش سازند. هیچ گاه روابط حکومت‌های ایران با دستگاه خلافت تا حد دوره خوارزمشاهیان تیره و تار نبوده است. این اختلافات که از زمان الناصر لدین الله و علاء الدین تکش آغاز شد تا زمان مرگ آخرین فرمانروایان دو حکومت ادامه یافت.

در این زمان مردم ناراضی از اوضاع به دنبال پناهگاهی می‌گشتند که از شر حکومت نجات‌شان دهد. اسماعیلیان شیعه مذهب که دشمن قدرتمند دستگاه خلافت و خوارزمشاهیان بودند پاسخ‌گوی این نیاز مردم بودند. و این عامل سبب شد اسماعیلیان در این عصر به اوج قدرت برسند. اسماعیلیان در این دوره از دژهای خویش که سراسر جبال البرز را در بر می‌گرفت پا فراتر نهادند و در شهرهای ایالات کرمان، خراسان، عراق عجم و حتی فارس پایگاه‌های مستحکمی یافتدند.

این شرایط در جامعه اسلامی وضعیت دشواری را پدید آورده بود؛ به طوری که با وجود اقتدار ظاهری دستگاه خلافت، این نظام از درون با مشکلات فراوانی مواجه بود. مردم و اندیشمندان آن عصر از این وضعیت ناراضی بودند و طبیعتاً با توجه به این اوضاع، مهم‌ترین سؤال در جامعه اسلامی این بود که چرا مسلمانان با چنین شرایط بغرنجی

روبه رو شدند؟ برای پاسخ به این پرسش، متفکران با توجه به تاریخ گذشته جامعه اسلامی، در پی تعلیل و تبیین رخدادها برآمدند. ابن ابی الحدید یکی از اندیشمندان این عصر بود که ضمن همراهی با دستگاه خلافت عباسی، برای پاسخ به سؤالات مطرح در جامعه مسلمانان و روشن کردن زمینه‌های بروز این شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به مباحث تاریخی روی آورد. در این پژوهش به شرح و بررسی زندگی و افکار ابن ابی الحدید می‌پردازیم.

زیست نامه

عز الدین ابوحامد عبدالحمید بن [داود بن]^۱ هبة الله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابی الحدید مدائینی در سال ۵۸۵ ه. در خانواده‌ای اهل دانش در مدائین متولد شد و در آن جا رشد و نمو یافت.^۲ اما یاقوت حموی ولادت او را در مدائین ولی رشدش را در کرخ دانسته و درباره مذهب اهالی مدائین و کرخ در این دوران می‌نویسد که اهالی مدائین و کرخ در عصر ایشان شیعه امامی بودند.^۳ از دوران کودکی ابن ابی الحدید اخباری در دست نیست.

از سنین پانزده و شانزده سالگی در محضر علماء و بزرگان مشهور بغداد که بیشتر آنها شافعی مذهب بودند حاضر می‌شد و در محافل علمی و ادبی شرکت می‌جست.^۴ او در مدارس نظامیه بغداد تحصیل کرد.^۵ اما او که شیفتنه آموختن و دستیابی به حقیقت بود تنها به اساتید شافعی این مدارس اکتفا نکرده و از بزرگان سایر فرقه‌های اسلامی نیز بهره‌های فراوانی برداشت. اساتید متعدد وی شافعی، حنفی، حنبلی و دسته‌ای از ایشان علوی بودند. اساتید شافعی اش که در شرح نهج البلاغه از ایشان یاد شده است عبارتند از: ابوحنص عمر بن عبدالله الدیباس بغدادی (م ۶۰۱ ه)^۶، ضیاء الدین ابوحامد عبدالوهاب بن علی بن سکینه بغدادی (م ۶۰۷ ه)^۷ و ابوالخیر مصدق شبیب واسطی (م ۶۰۵ ه).^۸ برخی از اساتید حنبلی ابن ابی الحدید عبارتند از: ابو محمد قریش بن سبیع بن مهنا العلوی المدنی (م ۶۲۰ ه)^۹ و شمس الدین فخار بن معبد الموسوی (م ۶۳۰ ه).^{۱۰} ابو جعفر یحیی

بن ابی زید حسنی بصری النقیب (م ۶۱۳ ه)^{۱۱} که برجسته‌ترین استاد علوی ابن ابی الحدید بود نقابت طالبیان بصره را بر عهده داشت و زمانی که برای شکایت از ناظر بصره به بغداد رفت در این شهر ماندگار شد.^{۱۲} او مردی ادب، فاضل و عالم به انساب و اشعار و ایام عرب بود و شاید به جهت همین وسعت اطلاعاتش از تاریخ عرب و اسلام از جمله نديمان الناصر لدین الله خلیفه عباسی بود.^{۱۳} از مجموع گفتاری که ابن ابی الحدید از ابو جعفر نقیب نقل می‌کند استنباط می‌شود که او فردی دانشمند و آگاه به تاریخ و ادبیات و دارای قدرت نقادی و داوری عمیق بوده است.

ابن ابی الحدید به معترضه گرایش یافت و آرای معترضه بغداد و بصره را فرا گرفت و خود در این مكتب کلامی صاحب نظر گردید و مورد توجه دستگاه حکومت عباسی قرار گرفت. دیگر افراد خاندان ابن ابی الحدید نیز از بزرگان و دانشمندان زمان خویش بودند. پدرش قاضی مدائین^{۱۴} و برادرش موفق الدین ابوالمعالی قاسم دیر انشا^{۱۵} و قاضی^{۱۶} بودند. برادر دیگر، ابوالبرکات محمد، کاتب نظامیه‌ها و شاعر بود.^{۱۷} ابن کثیر در مقایسه دو برادر می‌نویسد: «ابن ابی الحدید از برادرش ابوالمعالی موفق الدین هبة الله، که خود فاضلی ژرف اندیش و اهل دانش بود، فضل بیشتری داشت». ^{۱۸} اما ذهبی او را از بزرگان صاحب فضل و بزرگان کلام، نظم، نثر و بلاغت دانسته است؛ ولی برادرش را بر او برتری می‌دهد.^{۱۹}

ابن ابی الحدید در خدمت به خاندان عباسی مشاغل و مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفت و از این طریق ولاد دربار شد. او در مراسم و مجالس بزرگان عصر خویش حاضر می‌شد و چون شاعر و ادیب بود در مناسبت‌های مختلف به هنرمنایی پرداخته و شعر می‌سرود. ابن فوطی به شعرخوانی ابن ابی الحدید در مجلس عقد دختر مجاهدین ایک الخاص مستنصری، معروف به دواتدار کوچک، با بدر الدین لولو صاحب موصل اشاره می‌کند.^{۲۰} وی ابتدا کاتب دارالتشریفات بود و در سال ۶۲۹ ه. به کتابت خزانه منصوب شد و مدتی بعد کاتب دیوان گردید. در صفر سال ۶۴۲ ه. به عنوان ناظر حله تعیین شد. سپس

خواجہ امیر علاء الدین طبرس گردید و پس از آن ناظر بیمارستان عضدی و سرانجام ناظر کتابخانه‌های بغداد گردید.^{۲۱}

ابن ابی الحدید می‌نویسد مسئولیت‌های وی، آثارش را از جهات فرهنگی با ارزش نمود و مانع از اشتیاقش به کسب علوم و سرودن شعر نشد.^{۲۲} ارزش علمی آثارش به سبب استفاده از منابع گوناگون است. او علاوه بر استفاده از کتابخانه دربار، از کتابخانه ده هزار جلدی ابن علقمی^{۲۳} نیز استفاده می‌کرد.

ابن ابی الحدید در حمله هلاکوخان به بغداد به مرگ محکوم شد؛ اما به شفاعت ابن علقمی^{۲۴} و وساطت خواجه نصیرالدین طوسی^{۲۵} از مرگ رهایی یافت.^{۲۶} و پس از آن به مقام کاتبی رسید.^{۲۷} درباره تاریخ دقیق درگذشت ابن ابی الحدید میان مورخان اختلافی اندک وجود دارد؛ محمد بن شاکر کتبی در دو کتاب فوات الوفیات^{۲۸} و عیون التواریخ^{۲۹} و ابن کثیر در البدایه و النهایه^{۳۰} درگذشت او را در سال ۶۵۵ ه. می‌دانند. صنعتی در کتاب نسمة السحر به نقل از دیار بکری می‌نویسد که او هفتاد روز پیش از ورود مغولان به بغداد که بیست محرم سال ۶۵۵ ه. بود درگذشت.^{۳۱}

ذهبی در سیر الاعلام النبلاء وفات او را پنجم جمادی الآخری سال ۶۵۶ ه. اعلام می‌کند.^{۳۲}

ابن فوطی در حوادث الجامعه در وفیات سال ۶۵۶ ه. می‌نویسد:

قاضی موفق الدین ابوالحالعی قاسم بن ابی الحدید مداینی در جمادی الآخری درگذشت و برادرش عزالدین بن عبدالحمید در رثای او اشعاری سروید... و عزالدین بعد از برادر خود چهارده روز زنده بود.^{۳۳}

مذهب ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید مذهب کلامی و اعتقادی خویش را در شرح نهج‌البلاغه به صراحة اعلام می‌کند و از شیفتگی‌اش به اعتقادات معتزله بغداد پرده بر می‌دارد. با وجود این

درباره گرایش مذهبی او آرای متناقضی بیان شده است. چنان که برخی از اهل سنت مانند ابن کثیر او را شیعه غالی^{۳۴} یا شیعه معتزلی^{۳۵} دانسته‌اند و برخی از شیعیان او را معرض و متعصب در آرای اهل سنت دانسته‌اند.^{۳۶} و افرادی چون سید جمال الدین ابوالفضل احمد بن طلوس حلی (م ۶۷۳ ه.)^{۳۷} و شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی (م ۱۱۸۲ ه.)^{۳۸} ردیه‌هایی بر شرح نهج‌البلاغه نگاشته‌اند.

با وجود این که گرایش به تشیع در شرح نهج‌البلاغه آشکار است، اما مطالب فراوانی نیز در آن هست که با عقاید شیعیان درباره امامت و مسائل تاریخی پس از رحلت پیامبر ﷺ سازگار نیست. ابن ابی الحدید در سرتاسر کتابش به معتزلی بودن خویش و اعتقاد به درستی خلافت خلفای سه گانه پیش از حضرت علی[ؑ] اقرار می‌کند و بزرگان معتزله را شیوخ خویش می‌خواند. او در مقدمه شرح نهج‌البلاغه تأکید می‌کند که تمام بزرگان و اساتید معتقد‌ند بیعت با خلیفه اول، صحیح و شرعی بوده و برای بیعت نصی از طرف رسول خدا^ﷺ وجود نداشته است، بلکه به اختیاری بوده است که به طریق اجماع و غیر اجماع به عنوان طریقی برای اثبات امامت شناخته می‌شود. سپس او به بحث تفضیل می‌پردازد.^{۳۹}

ابن ابی الحدید خویش را از امامیه جدا می‌داند و پیروان این فرقه را غالی دانسته و نظر مساعدی به آنان ندارد و در مقابل معتزلیان را شیعیان حقیقی می‌داند و می‌نویسد: شیعه تنها به آن دسته از افراد اطلاق می‌شد که به تفضیل باور داشته‌اند و آنچه در اخبار و روایات، در فضیلت شیعه آمده و آنان را به بهشت و عده داده‌اند، همان‌ها هستند نه کس دیگر. به همین دلیل یاران معتزلی ما گفته‌اند که ما شیعیان حقیقی هستیم و این اعتقاد ما را از دیگر عقاید افراطی و تغیریطی، به سلامت و حق نزدیک‌تر است.^{۴۰}

انکار نص بر امامت حضرت علی[ؑ]، پذیرش خلافت ابوبکر با این که حضرت علی[ؑ] را افضل بر او دانسته^{۴۱} و پذیرش امامت مفضول بر افضل،^{۴۲} مهم‌ترین دلایل اثبات دوری ابن ابی الحدید از مذهب امامیه است؛ زیرا امامیه به وجود نص برای امامت

حضرت علی^{اللهمَّ تَعَالَى} تأکید می‌ورزند و امامت مفضول را رد می‌کنند و در این باره کتاب‌های متعددی نوشته‌اند؛ مانند کتاب الرد علی المعتزله نوشته ابومحمد هشام بن حکم از اصحاب امام صادق^{اللهمَّ تَعَالَى} و امام کاظم^{اللهمَّ تَعَالَى}^{۴۴} و کتاب الرد علی المعتزله فی امامۃ المفضول نوشته محمد بن نعمان ملقب به مؤمن الطاق از اصحاب امام صادق^{اللهمَّ تَعَالَى}^{۴۵} همچنین او پس از به پایان رساندن شرح نهج البلاغه و فرستادن آن برای ابن علقمی، وزیر شیعی و دانشمند، در پاسخ به الطاف او اشعاری سروده و در ضمن آن می‌گوید:

منذهب اعززال و یارانش را که مردم خردمند و دقیق نظر هستند دوست دارم.

آری، اهل عدل و توحید اهل من و راه پسندیده آنان همواره آین من است.^{۴۶}

برخی از نویسندهای کتاب^{۴۷} از نقل از یوسف بن یحییٰ صنعتی، ادیب قرن یازدهم و دوازدهم هجری (م ۱۱۲۱ ه) نوشته‌اند که ابن ابی الحدید معتزلی جاخطی بوده است. این موضوع با عقاید جاخط سازگار نیست، زیرا بنابر گفته خود ابن ابی الحدید در اوایل مقدمه شرح نهج البلاغه، جاخط معتقد به برتری و تفضیل ابوبکر بر علی^{اللهمَّ تَعَالَى} بوده و به طرفداری از عثمان کتاب العثمانیه را فراهم آورد.

به نظر می‌رسد که ابن ابی الحدید به عقیده و گفته‌های ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی توجه بیشتری داشته است. ابوجعفر اسکافی، متکلم دانشمند سده سوم هجری که معاصر جاخط بوده و بر کتاب عثمانیه او ردیه نوشته، به سال ۲۴۰ ه. و پانزده سال پیش از مرگ جاخط در گذشته است.^{۴۸} به هر حال سخن یوسف بن یحییٰ صنعتی در کتاب نسمة السحر که به مقدمه محمد ابوالفضل ابراهیم و از آن جا به دائرة المعارف بزرگ اسلامی و کتاب‌های دیگر راه یافته است. چندان استوار نیست.^{۴۹}

هر چند ابن ابی الحدید در نقل آرای معتزله از گفته‌های جاخط و سایر بزرگان معتزله بهره گرفته و در مسائل کلامی به آرای آنان استناد می‌جوید، اما از نظر اعتقادی بدون

هیچ تردیدی از پیروان معتزله بغداد بوده و از ارادتمندان حضرت علی^{الکاظم} محسوب می‌شد و از معتزله بصره و جاخط که نظر مساعدی به آن حضرت نداشتند فاصله بسیاری داشت.

تألیفات ابن ابی الحدید

از ابن ابی الحدید آثار و تألفات بسیاری به یادگار مانده است. هفده اثر او شناخته شده است که سه اثر به نظم و بقیه به نثر هستند. این آثار عبارتند از:

۱. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید ارزنده‌ترین اثرش شرح نهج البلاغه را در ۵۸ سالگی در زمانی که در بالاترین حد علمی اش قرار داشت تألیف کرد. وی در این باره می‌نویسد:

نگارش این کتاب در چهار سال و هشت ماه تمام شد که آغاز آن اولین روز ماه ربیع سال شصده و چهل و چهار بود و پایانش روز سی ام صفر سال شصده و چهل و نه که این زمان برابر مدت خلافت امیر المؤمنین علی^{الکاظم} است و هرگز تصور نمی‌شد که در کمتر از ده سال انجام بگیرد...^۴

ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه را به مؤید الدین بن علقیمی، وزیر شیعی مستعصم بالله خلیفه عباسی (خلافت از ۶۴۰-۶۵۶ھ) هدیه کرد. این علقیمی در مقابل صد دینار و خلعت و اسبی به او صله داد. و او نیز با بت این بخشش در قصیده‌ای وزیر را ستایش کرد.^۵

این کتاب دائرة المعارفی از علوم تاریخ، انساب، ادبیات، کلام فقه، اخلاق و فرهنگ عرب است که حجم زیادی هم دارد. این کتاب به اهتمام محمد ابوالفضل ابراهیم بر طبق تقسیم‌بندی ابن ابی الحدید در بیست جلد منتشر گردیده است.

۲. الاعتبار: این کتاب در سه جلد شرح و تعلیقی بر کتاب الذریعه فی اصول الشریعه تألیف سید مرتضی است.^۶

۳. انتقاد المستصفی: این کتاب نقدی بر کتاب المستصفی من علم الاصول تألیف

غزالی است.^{۵۶}

۴. الحواشی علی کتاب المفصل فی النحو: شرح و توضیحی بر کتاب المفصل فی النحو تأليف زمخشری است.^{۵۷}

۵. شرح الآيات البینات: شرحی است بر کتاب کلامی الآيات البینات فخرالدین رازی.^{۵۸}

۶. شرح المحصل: شرحی بر کتاب محصل افکار المتقدمین و المتأخرین نوشته فخرالدین رازی می‌باشد.^{۵۹}

۷. شرح الياقوت: شرحی بر کتاب الياقوت ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت.^{۶۰}

۸. نقض المحصل فی علم الاصول: نقدی است بر کتاب المحصل فی علم الاصول تأليف فخرالدین رازی.^{۶۱}

۹. العقری الحسان: این کتاب مجموعه‌ای از موضوعات گوناگون شامل مباحث کلامی، تاریخ و ادبی است.^{۶۲}

۱۰. الوشاح الذهبی فی العلم الادبی.^{۶۳}

۱۱. الفلک الدائر علی المثل السائر: این کتاب نقدی بر کتاب المثل السائر فی الادب الكاتب و الشاعر تأليف نصرالله بن محمد بن الاثير الشیبانی الجزری الموصلى الكاتب (۶۷۳ھ) برادر ابن اثیر مورخ است.^{۶۴} نگارش این کتاب در اول ذی الحجه سال ۶۳۳ بنا به درخواست مستنصر آغاز شد و در مدت پانزده روز به پایان رسید. چندین نقد بر این کتاب نوشته شده است؛ از جمله نشر المثل السائر و طی الفلک الدائر نوشته ابوالقاسم محمود سنجری (م ۶۵۰ھ).^{۶۵} این کتاب در سال ۱۳۰۹ق. در هند چاپ شده است.^{۶۶}

۱۲. شرحی بر المنظومه فی الطب ابن سینا.^{۶۷}

۱۳. شرحی بر کتاب مشکلات الغرر: این اثر شرحی است بر کتاب مشکلات الغرر نوشته ابوالحسین بصری، از شیوخ بزرگ معتزله.^{۶۸}

۱۴. منظومه الفصیح: این ابی الحدید در مدت ۲۴ ساعت کتاب الفصیح در علم لغت و نوشته احمد بن یحیی معروف به ثعلب (م ۲۹۱ھ) را به نظم در آورد.^{۶۹}

۱۵. مستنصریات: اشعاری که به خواسته مستنصر سروده شده است.^{۶۶}
۱۶. دیوان اشعار: دیوان اشعار او شامل انواع قصید، ناگزل که مناجات و مخاطبات صوفیانه در آن بیشتر از انواع دیگر است.^{۶۷}
۱۷. القصائد السبع العلویات: موضوع این اشعار فتح خیر و فتح مکه و ایاتی در مدح پیامبر ﷺ و حضرت علی (ع) و اظهار ناراحتی و اندوه در شهادت امام حسین (ع) است.^{۶۸} ابن‌الحید این کتاب را برای ابن علقمی، وزیر شیعی مستعصم، تأليف کرد.^{۶۹}

زمینه‌ها و انتگریه اهتمام ابن‌الحید به شرح نهج البلاغه

در معتزله، تعداد اندکی از ایشان به تاریخ نگاری پرداخته‌اند؛ ایشان به دلیل آن که می‌کوشند مشکلات ذهنی و مذهبی خویش را با عقل و استدلال حل کنند، به نقل جز در چهارچوب پیش فرض‌های ایشان نمی‌نگرند. اگرچه افرادی چون اسکافی و جاحظ که از مورخان بزرگ و بنام معتزله هستند آثار ارزشمندی را تألیف کرده‌اند و عندهای دیگر از ایشان مانند قاضی عبدالجبار به تاریخ اهمیت می‌دادند اما آنها تنها به دانش تذکره نویسی برای معتزلیان یا به اصطلاح علم «طبقات معتزله» پرداختند. یک معتزلی به دلیل پیش فرض‌های متکلمانه، تاریخ را از منظر علم کلام نگاه می‌کند. معنای این سخن آن است که تاریخ در این نگاه، در جایگاه واقعی خویش قرار ندارد؛ بلکه به نوعی ابزار دست متکلم شده است. این شکلی است که دیگر عقل گرایان مسلمان هم با دانش تاریخ داشتند.

با این حال ابن‌الحید به دلیل نوع نگاهش یک استثناست. او یک معتزلی مورخ آن هم در سطحی قابل قبول است. شاید همین امر سبب شده تا نگاه او وسیع‌تر و دارای مشربی بازتر در شرح نهج البلاغه باشد. سوالاتی که در اینجا قابل طرح است اینست که چرا ابن‌الحید به تاریخ اسلام پرداخته است؟ و چرا این پرداختن با شرح نهج البلاغه به هم در آمیخته است؟ در پاسخ باید گفت که بخشی از معتقدات معتزله دقیقاً جنبه تاریخی دارد. صورتش کلامی است اما ماده و عمقش تاریخی است. بررسی سیر پیدایش معتزله نشان می‌دهد که آنان از دل تحولات تاریخی سربراورده‌اند. مشکلات جنگ جمل

و صفین و سپس نهروان و نیز پدید آمدن خوارج که کافر و مسلمان چگونه از هم دیگر تفکیک می‌شوند، معتزله را به پاسخ‌گویی به این سوال روپردازد. ابن ابی الحدید می‌کوشد تا به همان پرسش‌های نخست پاسخ دهد، آن هم با شرح نهج‌البلاغه. در این صورت او هم شرح نهج‌البلاغه نوشه و هم از هویت معتزله دفاع کرده و هم نشان داده است که یک معتزله شیعی است نه عثمانی.

روابط میان تشیع و تسنن در ادوار مختلف تاریخی دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. مناسبات علمی میان علمای شیعه و سنی به ویژه معتزلیان میانه رو آنان را با یکدیگر آشناتر کرد. در اواخر قرن پنجم در دوران حکومت آل بویه و پس از آن می‌توان تفاهمی جدی را در اندیشه‌های شیعه و معتزله یافت.

نهج‌البلاغه گزیده سخنان حضرت علی^{العلیّ} است که به دست سید رضی(ره) (م ۴۰۶ه) از مصادر تاریخی، حدیثی و ادبی گردآوری شده است. بیشتر خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه مربوط به دوران حکومت پنج ساله حضرت علی^{العلیّ} است و در تمام نهج‌البلاغه به جز خطبه شقشقیه اظهار نظر صریح و انتقادی از شیخین نشده است.

نفس تدوین نهج‌البلاغه، آن گونه که بخش عظیمی از سنیان معتدل نیز آن را بپذیرند و حتی بر آن شرح بنویسنده، می‌تواند اقدامی در راه تفاهم به شمار آید. گرچه سنیان افراطی که وارشان اهل حدیث بودند، در برابر این اقدام معتدلانه شیعه حاضر به کوچک‌ترین گذشت نشدند.^{۷۰}

اوج نزدیکی شیعه و معتزله و تأثیراتی که این دو گروه بر هم نهادند، در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید دیده می‌شود. ابن ابی الحدید با شرح نهج‌البلاغه که مورد علاقه شیعیان بود و آن گروه از اهل سنت که حضرت علی^{العلیّ} را به عنوان خلیفه چهارم قبول داشته و برای ایشان احترام قابل بودن، گامی مهم در راه نزدیکی شیعه و سنی برداشته است.

او در شرح نهج‌البلاغه تلاش می‌کند تا تفکر اعتزالی را که در این زمان رو به افول

بود، استحکام بخشد و با کمک گرفتن از کلام امیرالمؤمنین الکاظم و وقایع تاریخی برتری عقاید معتزلیان بغداد را در مقابل با معتزلیان بصره اثبات کند.^{۷۱} در این کتاب که برای ابن علقمی اسدی، وزیر شیعی مذهب المستعصم بالله، تألیف کرده است،^{۷۲} مباحث تاریخی و اعتقادی را به گونه‌ای گزینش می‌کند که برای هر دو گروه شیعه و سنی آن دوران مورد قبول باشد و باعث تحریک احساسات هیچ یک از دو طرف نشود.

ابن ابی الحميد با استفاده از شیوه‌های رایج معتزله در بررسی‌های علمی، به شرح کلام حضرت علی الکاظم و تحلیل وقایع تاریخی پرداخته است. وی در شرح نهج البلاغه که قسمت اعظم آن به نقل و بررسی وقایع تاریخی اختصاص دارد کوشیده است که در هنگام نگارش تاریخ به اصول معتزلی و راه‌های مورد قبول ایشان در بررسی‌های علمی وفادار بماند و در واقع تاریخ برای ابن ابی الحميد ابزاری مهم است که با پژوهش و تحقیق درباره آن و با استناد به آن می‌توان به حقایق امور دست یافت.

بی نوشت ها

۱. الحافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، تحقیق علی شیری (بیروت: دارالحیاء، التراث العربي، الطبقة الاولى، ۱۴۰۸ھ). ج ۱۳، ص ۲۱۲.
۲. آقا بزرگ طهرانی، الدریعه الى تصانیف الشیعه (بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ھ) ج ۱۴، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.
۳. شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی، معجم البیان (بیروت: دارالحیاء التراث العربي، ۱۳۹۹ھ) ج ۴، ص ۴۴۸ و ج ۵، ص ۷۵.
۴. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بحسوری (تهران: انتشارات بنیاد دائرة المعارف، ۱۳۶۸) ص ۲۹۴، ذیل «ابن ابی الحدید».
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم (قسم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ج اول، ۱۳۳۷) ص ۲۸۰.
۶. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۱.
۷. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۱ و ج ۱۴، ص ۲۵۱.
۸. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.
۹. همان، ج ۹، ص ۲۲۵.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۴۱ و ج ۱۵، ص ۲۲.
۱۱. همان، ج ۷، ص ۱۳۲، ۱۷۴ و ج ۹، ص ۲۲۸.
۱۲. مصطفی جواد، ابی جعفر تقی (بغداد، مطبعة الهلال، ۱۳۶۹ق) ص ۲۴ - ۲۸.
۱۳. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۹۶.
۱۴. محمد آصف فکرت، دایرة المعارف تشیعی، زیر نظر احمد صدر حجاج سید جوادی و

- دیگران (تهران: بنیاد شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۹) ص ۶۴۰، ذیل. «بن ابی الحدید».
۱۵. محمدبن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه وحید گلپایگانی، چاپ دوم (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰) ص ۴۴۱.
۱۶. ابن الفوطی، *الحوادث الجامعه*، ترجمه عبدالمحمد آیشی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳) ص ۱۹۹.
17. L. Veccia Vaglieri, IBN Abilhadid in Encyclopaedia Of Islam, v. 3, P. 684.
۱۸. ابن کثیر، *البداية النهاية*، تحقیق علی شیری (بیروت: دارالحکایه التراث العربی، الطبیقه الاولی، ۱۴۰۸ق) ج ۱۲، ص ۲۳۳.
۱۹. ذهبي، *سیر الاعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الاربیوط و محمد نعیم العرقسوی (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ق) ص ۲۷۵.
۲۰. ابن الفوطی، پیشین، ص ۴۴.
۲۱. کمال الدین ابوالفضل عبدالرازاق بن احمد معروف بن ابن الفوطی شیبانی، *مجمع الآداب* فی معجم الالقاب، تحقیق محمد کاظم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴) ج ۱، ص ۲۱۳، ۲۱۴.
22. L. Veccia Vaglieri, IBN Abilhadid in Encyclopaedia Of Islam, v. 3, P. 685.
۲۲. ابن طقطقی، پیشین، ص ۴۵۱.
۲۴. ابن علقمی، وزیر شیعه مذهب مستعصم آخرین عباسی خلیفه، برخلاف خلیفه از اوضاع و احوال جهان اسلام به خوبی با خبر بود و می‌کوشید تا خلیفه را با واقعیات آشنا سازد؛ اما تلاش‌هایش بی‌ثمر ماند و در اثر بدگویی درباریان اختیاراتش محدود شد. با جندی شدن خطر حمله مغول به بغداد، او کوشید تا خلیفه را مجبور به مصالحة با مغولان کند؛ اما به سبب غفلت خلیفه و مخالفت سایر بزرگان دربار در این کار ناموفق ماند؛ از این زوایی با خان مغول ارتباط برقرار کرد و به طور مستقیم برای نجات بغدادیان تلاش کرد. ابن علقمی که مقاومت در برای

۲۴. هلاکو خان را بی فایده می دید، خلیفه را راضی به تسلیم شدن کرد. (فضل الله بن عبدالله شیرازی، تاریخ و صاف الحضرة در احوال سلاطین مغول (تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری، ۱۳۲۸) ج ۱، ص ۳۶؛ ابن طقطقی، پیشین، ص ۴۴۸ - ۴۵۲).
۲۵. خواجہ نصیر الدین (۵۹۷ - ۶۷۲ ه) پس از فراغت از تحصیل به دربار ناصر الدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور، محترم قهستان، که از سلاطین اسماعیلیه بود، پیوست و در دستگاه او مقامی ارجمند یافت. در انتای اقامتش در دستگاه اسماعیلیان، قصیده‌ای به عربی در مدح مستعصم عباسی سرود و به بغداد فرستاد. به اشاره ابن علقمی، وزیر مستعصم، در قلعه الموت متوقف شد و تا هنگام فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو در قلعه میمون در نزد رکن الدین خورشاه به سر بردا و پس از فتح الموت به دست ایلخان مغول به خدمت او پیوست و از مقربان گردید. کتاب‌ها و آثار او بدین شرح‌اند: ۱. تجزیه الاعتقاد؛ ۲. تذکره در هیئت؛ ۳. تحریر کتاب اقلیدس؛ ۴. تحریر مجسسطی؛ ۵. شرح اشارات؛ ۶. فصول نصیریه؛ ۷. فراناض نصیریه؛ ۸. آداب المتعلمین؛ ۹. رساله اسطلاب؛ ۱۰. رساله جواهر؛ ۱۱. نقد المخلص؛ ۱۲. رساله معینیه در هیئت به فارسی؛ ۱۳. شرح آن به فارسی؛ ۱۴. رسال خلق اعمال؛ ۱۵. شرح رساله العلم میثم بحرانی؛ ۱۶. اخلاق ناصری؛ ۱۷. اوصاف الاسرف. شیخ حر عاملی، امل الامل (نجف، مکتبه الأندلس، بغداد، بی‌تا) ج ۲، ص ۲۹۹؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴؛ خیز الدین زرکلی، الإعلام (بیروت: دارالعلم الملایین، بی‌تا) ج ۷، ص ۳۰.
۲۶. هندو شاه بن سنجیر بن عبدالله صاحبی نخجوانی، تجارب السلف در تواریخ خلثا و وزرا و ایشان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی (تهران: ۱۳۵۷) ص ۲۵۹.
۲۷. ابن الفوطی، حوادث الجامعه، ص ۱۹۷.
۲۸. محمد بن شاکر الکتبی، فرات الرفیقات، تحقیق احسان عیاش (بیروت: دارالصادر، ۱۹۷۴) ج ۲، ص ۲۵۹.
۲۹. محمد بن شاکر الکتبی، عین التواریخ، الجزء العشرون، تحقیق فیصل سائر و نیله

- عبدالمنعم داود (بغداد، دارالرشيد، ١٩٨٠ م) ص ١١٢.
- .٣٠. ابن كثير، پیشین، ج ١٣، ص ٢٣٣.
- .٣١. الشريف ضياء الدين يوسف بن يحيى الحسيني اليميني الصناعي، نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر، تحقيق سلمان الجبورى، الطبعه الاولى (بيروت: دارالصورخ العربى، الطبعة الاولى، ١٤٢٠ ق) الجزء الثاني، ص ٢٤٤.
- .٣٢. ذهبي، پیشین، ج ٢٣، ص ٢٧٥.
- .٣٣. ابن القوطي، حوادث الجامعه، ص ١٩٩.
- .٣٤. ابن كثير، پیشین، ج ١٣، ص ١٩٩.
- .٣٥. همان، ص ٢١٢.
- .٣٦. ميرزا حبيب الله هاشمى خوى، منهاج البراعه فى شرح نهج البلاغه، تصحيح سيد ابراهيمى ميانجى (تهران: مكتبه الاسلامى، چاپ چهارم) ج ١، ص ٦٠٥.
- .٣٧. آقا بزرگ طهرانى، پیشین، ج ١١، ص ٢٦٠؛ سيد على اصغر جابقى، طرائف المقال، تحقيق سيد مهدى رجائى (قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ١٤١٠ ق) ج ٢، ص ٦١٤.
- .٣٨. آقا بزرگ طهرانى، پیشین، ج ١٢، ص ٢١٠؛ سيد اعجاز حسين نيشابورى الكنتورى، كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و المنقار (قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، چاپ دوم، ١٤٠٩ ق) ص ٢١١.
- .٣٩. ابن أبي الحديد، پیشین، ج ١، ص ٧ - ٩.
- .٤٠. همان، ج ٢٠، ص ٢٢٥ - ٢٢٦.
- .٤١. همان، ج ١، ص ١٤١ - ١٥٦.
- .٤٢. همان، ج ١، ص ٧.
- .٤٣. همان، ص ٩.

۴۴. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی اسدی کوفی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، الطبعة الخامسه، ۱۴۱۶ق) ص ۴۳۳؛ محمد بن اسحاق بن ندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد (بی‌جا، کتابخانه ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۳) ص ۲۲۴.
۴۵. محمد بن اسحاق بن ندیم، پیشین، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، الفهرست، تحقیق جواد القيومی، (موسسه نشر الفقاہه، الطبعة الاولی، ۱۴۱۷ق) ص ۲۰۷.
۴۶. محمود مهدی دامغانی (اصاحبه)، گستره تاریخ گفتگوهایی با تاریخ نگاران ایران، به اهتمام مسعود رضوی (تهران: هرمس، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۳) ص ۳۶۲.
۴۷. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه ابن ابی الحدید، ترجمه محمود مهدوی، دامغانی (تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵) ص ۸.
۴۸. همان، ص ۹.
۴۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاعه، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۴۹.
۵۰. ابن کثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۱۲؛ در روضات الجنات و ریحانه الادب ابن مبلغ صد هزار ذکر شده است. محمد باقر موسوی خوانساری اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، تحقیق اسدالله اسماعیلیان (تهران: اسماعیلیان، بی‌تا) ص ۲۱، محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکتبیه و اللقب یا کتبی و القاب (تهران: کتابفروشی خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۲۵).
۵۱. خوانساری، پیشین، ص ۲۲.
۵۲. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه، پیشین، ص ۲۵.
۵۳. همان.
۵۴. همان، ص ۲۶.

٥٥. خوانساری، پیشین، ص ٢٢.
٥٦. همان.
٥٧. همان.
٥٨. همان.
٥٩. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه، پیشین، ص ٢٦.
٦٠. کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی (الهیئة المصریع العامه للكتاب، ١٩٩٣) القسم الثالث ٥ - ٦، ص ١٨١.
٦١. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسمی الكتب و الفنون (بیروت: دار احیاء التراث العربی) ص ١٢٩١، ١٥٨٦.
٦٢. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه، پیشین.
٦٣. همان.
٦٤. خوانساری، پیشین، ص ٢٢.
٦٥. حاجی خلیفه، پیشین، ص ١٢٧٣.
٦٦. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه، پیشین، ص ٢٧.
٦٧. همان.
٦٨. کارل بروکلمان، پیشین، ص ١٨٢.
٦٩. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ص ١٢٩.
٧٠. رسول جعفریان/ندیشه تفاهم منبهی در قورن هفتتم و هشتم هجری (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ١٣٧١) ص ٨.
٧١. جواد کاظم منشد نصراطه، شرح نهج البلاعه لابن ابی الحدید المعتزلی رویه الاعتزالیه عن الامام علی^{الله} (قم: ذوی القریبی، ١٣٨٤) ص ١١ - ١٢.
٧٢. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ١٤، ص ١٥٨ - ١٥٩.

منابع

- ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاعه ابن ابی الحدید، ترجمه محمود مهدی دامغانی، ج ۸، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- شرح نهج البلاعه، ج ۲۰، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۳۲۷.
- ابن الفوطی شبیانی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرازاق بن احمد، الحوادث الجامعه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران، انجمان آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
- مجمع الادب فی معجم الاتساب، ج ۶، تحقيق محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- ابن الکثیر، الحافظ ابن القداء اسماعیل، البدایه و النهایه، ج ۱۴، تحقيق علی شیری، الطبعه الاولی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن تدیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقيق رضا تجدد، چاپ اول، بی‌جا، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۳.
- بروکلمان کارل، تاریخ الادب العربی، ج ۹، الهيئة المصری العاملة للكتاب، ۱۹۹۲م.
- جایلقی، سید علی اصغر، طرائف المقال، ج ۲، تحقيق سید مهدی رجایی، ج ۱، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
- جواد مصطفی، ابو جعفر نقیب، بغداد، مطبیعه الهلال، ۱۳۶۹ق.
- جعفریان، رسول، اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، چاپ اول، قم، دفتر

تبليغات اسلامی، ١٣٧١.

- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، ج ٢، بیروت، دارالاحیاء التراث العربي، ص ١٥٨٦.
- الحموی الرومی البغدادی، شهاب الدین ابن عبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ٥، بیروت، دارالاحیاء التراث العربي، ١٣٩٩ ق.
- ذهبی، سیر الاعلام النبلاء، ج ٢٢، تحقيق شعیب الارنوط - محمد نعیم العرقوسی، الطبعه التاسعه، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.
- ذیل مدخل ابن ابی الحمید، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، انتشارات بنیاد دائرة المعارف، ١٣٦٨.
- زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ٨، الطبعه الخامسة، بیروت، دارالعلم الملايين، بی تا.
- شیرازی، فضل الله بن عبدالله، تاریخ وصف الحضرة در احوال سلاطین مغول، ج ٢، تهران، کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری، ١٣٣٨.
- صاحبی نخجوانی، هندوشاہ بن سنجر بن عبدالله، تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ١٣٥٧.
- الصنعتی، الشریف ضیاء الدین یوسف بن یحیی الحسینی الیمنی، نسمة السحر بذکر من تشیع و شعر، تحقيق سلمان الجبوری، ج ٣، الطبعه الاولی، بیروت، دارالمورخ العربي، ١٤٢٠ ق.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الفهرست، تحقيق جواد القیومی، الطبعه الاولی، مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ ق.
- طهرانی، آقا بزرگ، الدریعه الى تصانیف الشیعه، ج ٢٦، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء، ١٤٠٣ ق.

- عاملی، شیخ حر، اصل الاصل، ج ۲، نجف، مکتبه الائمه، بغداد، بی تا.
- فکرت، محمد آصف، ذیل مدخل «ابن ابی الحدید»، دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، چاپ اول، تهران، بنیاد شهید سعید محبی، ۱۳۷۹.
- الكتبی، محمد بن شاکر، فواید الرؤوفیات، ج ۵، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالصادر، ۱۹۷۴ م.
- عیون التواریخ، ج ۲۲، تحقیق فیصل سامر و نبیله عبدالمنعم داوود، بغداد، دارالرشید، ۱۹۸۰ م.
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب فی تراجم المعرفین بالکتبیه و اللقب بـا کسی و القاب، ج ۸، چاپ چهارم، تهران، کتابفروشی، خیام، ۱۳۷۴.
- منشد نصرالله، جواد کاظم، شرح نهج البلاعه لابن ابی الحدید المعتزلی رؤیه الاعتزالیه عن الامان علی الكتاب قم، ذوی القربی، ۱۳۸۴.
- موسوی خوانساری اصفهانی، محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۸، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، تهران، اسماعیلیان، بی تا.
- مهدوی دامغانی، محمود (مصاحبه)، گستره تاریخ (گفتگوهایی با تاریخ نگاران ایران)، به اهتمام مسعودی رضوی، چاپ اول، تهران، هرمس و مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۳.
- نجاشی اسدی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، الطبعه الخامسه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرق، ۱۴۱۶ق.
- نیشابوری الکنتوری، سید اعجاز حسین، کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و المنقار، ج ۲، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.

- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاعه، ج ۲۱، تصحیح سید ابراهیم میانجی، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامی، ۱۳۵۸.

32. Vagliari L. Veccia. "IBN Abilhadid" in Encyclopaedia of Islam, v.3.